دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی

تحلیل اشتغال‌پذیری دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

حسام‌الدین غلامی[۱]، جواد قاسمی[۲] و امیر افضلی گروه[۳]

۱- استادیار، موسسه آموزش و ترویج کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ایران
۲- استادیار، موسسه آموزش و ترویج کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ایران، (نویسنده مسوول: ja.ghasemi@areeo.ac.ir)
۳- دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

تاریخ ارسال: ۹۹/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۸
صفحه: ۱۱۴ تا ۱۲۶

چکیده

تحولات سال‌های گذشته در بازار کار دانش‌آموختگان کشاورزی ضرورت توجه دانشکده‌های کشاورزی به اشتغال‌پذیری را بیش از پیش برجسته کرده است. بنابراین، این پژوهش با هدف اندازه‌گیری میزان اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران (N= ۷۱۵) و همچنین بررسی روابط برخی از متغیرها با اشتغال‌پذیری آنان انجام شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۱۹۰ نفر برآورد شد که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای در میان نمونه توزیع شد. روایی صوری پرسشنامه به‌وسیله‌ی پنلی از متخصصان و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. بر اساس یافته‌ها، میانگین کل مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران ۳/۳ از ۵ بود که می‌توان گفت اندکی از متوسط بیشتر است. بیشترین ضعف دانشجویان در مؤلفه‌های تجربه‌ی کار و زندگی (میانگین ۲/۷۲) و دانش و مهارت تخصصی رشته¬ی تحصیلی (۲/۸۱) بود. همچنین، متغیرهای اهمیت ادراک‌شده توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری، سابقه‌ی کار کشاورزی، علاقه به رشته تحصیلی، سابقه‌ی کار غیرکشاورزی و واگذاری مسئولیت در دوران کودکی از سوی خانواده با میزان اشتغال‌پذیری دانشجویان همبستگی معنی‌داری داشت. در دانشجویان پسر، نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری و همه‌ی مؤلفه‌های آن (دانش و مهارت تخصصی، مهارت‌های عمومی، تجربه، یادگیری توسعه‌ی شغلی و هوش هیجانی) بیشتر از دانشجویان دختر بود. همچنین، تفاوت بین میانگین کل اشتغال‌پذیری دانشجویان دختر و پسر و همه‌ی مؤلفه‌های آن به‌جز مهارت‌های عمومی و هوش هیجانی معنی‌دار بود. در نهایت، بر اساس یافته‌های این پژوهش توصیه می‌شود مباحث اشتغال‌پذیری در دانشکده‌های کشاورزی مورد توجه قرار گیرد و این برنامه‌ها حتی‌الامکان با توجه ویژه نسبت به دانشجویان دختر انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: قابلیت اشتغال، آمادگی شغلی، دانشجویان، آموزش عالی، بیکاری

مقدمه

ایجاد اشتغال پایدار از جمله هدف‌های کلان اقتصادی همه-ی کشورها می‌باشد (۵). در این بین، آموزش عالی یکی از عوامل مؤثر در تحقق سیاست‌های توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها به‌شمار می‌آید و تربیت نیروی انسانی متخصص، به‌عنوان اساس توسعه، توسط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت می‌گیرد. بنابراین، بروندادهای این نظام از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (۱۶). اما بیکاری در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی روز کشور و جهان است (۲). از جمله دلایل این امر می‌تواند توسعه‌ی دوره‌های آموزش عالی و تعداد دانشجویان و عدم تناسب آموخته‌های دانشگاهی با نیازهای روز بازار کار در کشور باشد (۱۳) که این وضعیت در بین دانش‌آموختگان کشاورزی از وضعیت نامناسب‌تری نیز برخوردار است (۴). با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین هدف‌های نظام‌های آموزشی، فراهم‌آوردن امکان ارائه آموزش متناسب با مهارت‌های شغلی مورد نیاز جامعه است (۸)، امروزه «اشتغال‌پذیری[۱]» دانش‌آموختگان به‌عنوان شاخص کلیدی عملکرد دانشگاه‌ها به‌حساب آید (۱۲). در واقع، در اقتصاد دانش‌بنیان، مهم‌ترین ثروت هر مؤسسه، سرمایه انسانی یا میزان برخورداری آن از دانش است که چنین شرایطی مستلزم توسعه‌ی مجموعه‌ای از مهارت‌های ضروری برای اشتغال پایدار و کسب شایستگی‌های لازم برای فعالیت در یک شغل خاص است که از آن با عنوان اشتغال‌پذیری یاد می‌شود (۱۱،۲۶).

دانش‌آموختگان اشتغال‌پذیر، توان بیشتری برای جذب در بازار کار و به‌دست‌آوردن شغل به‌صورت استخدام و یا کارآفرینی دارند؛ با ادبیات بازار کار آشنا هستند؛ در صورت نیاز، توانایی جابه‌جایی در بازار کار را دارند و اگر به هر دلیلی شغل خود را از دست بدهند، می‌توانند شغل دیگری به‌دست آورند؛ می‌توانند توانایی‌های خود را در بازار کار ارائه کنند و نیازهای تخصصی در بازار کار را می‌شناسند و می‌توانند آنها را برای به‌دست‌آوردن شغل بیاموزند (۱۴).

ارائه تعریفی جامع و موجز از اشتغال‌پذیری موضوعی چالش‌برانگیز است (۱۹). هیلیج و پولارد (۲۰) اشتغال‌پذیری را به‌معنای قابلیت و توانایی فرد برای داشتن پویایی در بازار کار بیان کردند. اشتغال‌پذیری از نظر داکر پول و سول به‌معنای داشتن مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش، درک و ویژگی‌های فردی است که احتمال انتخاب و کسب مشاغلی که فرد در آنها می‌تواند راضی و موفق باشد را افزایش می‌دهد (۱۳). آنها در ادامه تعاریف و مدل‌های پیشین، عنصر رضایت را به تعریف اشتغال‌پذیری اضافه کردند و این تعریف را مبنای توسعه مدل خود قرار دادند که آن‌را مدل «کریرادج»[۲] نامیده‌اند. در این مدل، دانش، مهارت و درک مربوط به مدرک تحصیلی عبارت است از میزان دانش و مهارت فرد در رشته‌ی

1- Employability
2- Career EDGE

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

تخصص خود. مهارت‌های عمومی عبارت‌اند از مهارت‌هایی که می‌توانند به مطالعه همه‌ی رشته‌ها کمک کنند و به‌طور بالقوه به طیف گسترده‌ای از زمینه‌های تحصیلی و یا شغلی انتقال یابند و مورد استفاده قرار گیرند. یادگیری توسعه‌ی شغلی، فعالیت‌هایی است که به دانشجویان کمک کند خودآگاه‌تر شوند، بتوانند به چیزهایی که از انجام آنها کاملاً لذت می‌برند و به آنها علاقمند هستند؛ توجه کنند تا آنان را برانگیزد و شخصیت آنان را هماهنگ کند. همچنینف باید یاد بگیرند چگونه بازارهای کار را برای تشخیص فرصت‌های پیش‌روی خود، شناسایی کنند، چگونه خود را به‌طور مؤثر به کارفرمایان معرفی کنند و تصمیمات سنجیده‌ای درباره‌ی شغل‌های خود بگیرند. هوش هیجانی عبارت است از ظرفیت تشخیص احساسات خود و دیگران، برای انگیزش خود و برای مدیریت خوب احساسات در خودمان و در روابط با مردم. تجربه (کار و زندگی) میزان تجارب کسب‌شده افراد در زندگی شخص و کاری است که در اشتغال‌پذیربودن اهمیت به‌سزایی دارد (۳۴).

در زمینه‌ی اشتغال‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن پژوهش‌هایی در ایران و دیگر کشورهای جهان صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش علی‌بیگی و بارانی (۴) نشان داد که میزان اشتغال‌پذیری رشته‌های کشاورزی در حد متوسطی بوده است. بین میزان اشتغال‌پذیری دانشجویان گرایش‌های مختلف کشاورزی از دیدگاه دانشجویان و میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی، به تفکیک جنسیت و محل تولد، تفاوت معنی‌داری وجود داشت و میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی، دیدگاه نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل و انتظارات تحصیلی به‌ترتیب، بیشترین تأثیر را در میزان اشتغال‌پذیری رشته‌های کشاورزی داشته است. بارانی و علی‌بیگی (۹) در واکاوی ادراک و انتظارات دانشجویان کشاورزی از اشتغال‌پذیری رشته‌های کشاورزی در غرب کشور دریافتند که بین سابقه‌ی کار کشاورزی در مزرعه، انتظارات تحصیلی، دیدگاه دانشجویان نسبت به دانشکده محل تحصیل خود و میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی آنان با میزان اشتغال‌پذیری ادراک‌شده، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار و بین طبقه اجتماعی با متغیر مذکور، رابطه‌ی منفی و معنی‌داری وجود داشت. منفرد و همکاران (۲۴) در تحقیق خود دریافتند که موفقیت شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های شیلاتی مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی با متغیرهای سن، شمار اعضای خانواده، میانگین درآمد، میانگین نمره‌های دیپلم، میانگین دانش‌آموختگی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری داشت.

نتایج پژوهش علی‌آبادی و همکاران (۳) گویای آن است که کاربست مؤلفه‌های توانمندسازی، حدود ۷۱ درصد از تغییرات اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا را تبیین نمودند و دختران از مهارت اشتغال‌پذیری بیشتری نسبت به پسران برخوردار بودند. مقایسه‌ی مؤلفه‌های توانمندسازی در بین دختران و پسران دانشجو نیز نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین مؤلفه‌هایی چون احساس شایستگی، احساس معنی‌داربودن، احساس تأثیرگذاری و احساس داشتن اعتماد وجود داشته است. نادری مهدیی و همکاران (۲۶) در واکاوی اشتغال‌پذیری دانشجویان زن دریافتند که میانگین مؤلفه مهارت‌های ارزیابی آنان بیشتر از سایر ابعاد اشتغال‌پذیری بوده است و در مؤلفه‌های مهارت‌های عمومی، مهارت حل‌مسئله، مهارت‌های حساب، کیفیت‌های فردی، مهارت‌های ارزیابی و یادگیری توسعه‌ی[1] شغلی از توانمندی مطلوبی برخوردار بودند. بر اساس تحقیق پورآتشی (۲۸)، راهکارهای ارتقای مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی در سه مقوله‌ی اصلی آموزش، تعاملات و خدمات و هشت مقوله فرعی محتوای درسی، کیفیت بخشی آموزش، دانش و یادگیری، ارتباطات فردی، ارتباطات سازمانی، مشاوره، فرهنگی و پشتیبانی دسته‌بندی شد.

نتایج تحقیق سپهوند و همکاران (۲۹) حاکی از تأثیر مثبت جهت‌گیری مسیر شغلی متنوع بر برنامه‌ریزی مسیر شغلی و همچنین تأثیر مثبت برنامه‌ریزی مسیر شغلی بر سرمایه‌های مسیر شغلی بود. شریفی اسدی ملفه و همکاران (۳۲) مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی را در قالب سه مقوله‌ی اصلی دانش و مهارت اکادمیک، دانش و مهارت‌های مرتبط با محیط کار، نگرش و ویژگی‌های فردی دسته‌بندی شدند که مؤلفه‌ی کارگروهی و کار تیمی در رأس مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری شناخته شد. عبدی و همکاران (۱) در واکاوی تطبیقی قابلیت اشتغال دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی و فنی مهندسی دانشگاه کردستان دریافتند که این دو گروه دانشجو از نظر قابلیت اشتغال تفاوت معنی‌داری باهم نداشتند و میزان خودکارآمدی، مهارت‌های کارآفرینانه، دانش و مهارت‌های تخصصی و ویژگی‌های کارآفرینانه به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در میزان قابلیت اشتغال دانشجویان این دانشکده‌ها داشتند. گُلدفینچ و هافز (۱۷) در مطالعه خود در زمینه‌ی مهارت‌های عمومی و سبک‌های یادگیری دانشجویان سال اول در اسکاتلند گزارش کردند که دختران، اندکی مهارت‌های ارزیابی و حساب خود را بالاتر ارزیابی نمودند. در پژوهش انجام‌گرفته به‌وسیله کازیلان و همکاران (۲۳) تفاوت معنی‌داری بین میزان مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های مختلف مراکز فنی و حرفه‌ای مالزی، مشاهده شد. پیلای و همکاران (۲۷) نیز افزایش اشتغال‌پذیری در یکی از دانشگاه‌های مالزی از طریق کارورزی صنعتی را گزارش کردند.

پژوهش‌های انجام‌شده بر روی تلفیق یادگیری در کار نشان می‌دهد که این امر می‌تواند باعث افزایش مهارت‌ها و دانش مربوط به شغل و بهبود نگرش‌ها و رفتارهای معطوف به آمادگی شغلی و توسعه‌ی فردی شود (۱۵). ویلتون (۳۵) بیان داشت که زنان از بین ۱۱ دسته مهارت اشتغال‌پذیری (ارتباط نوشتاری، توانایی کار در گروه‌ها، مهارت‌های تحقیق، سواد پایه رایانه، ارتباط گفتاری، مهارت‌های حل‌مسأله، مهارت‌های حساب، مهارت‌های مدیریتی، مهارت‌های رهبری، خلاقیت، مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های نرم‌افزار یا فناوری اطلاعات پیشرفته)، به‌جز دو دسته (حل‌مسأله و حساب) سطح بالاتری از مهارت‌ها را نشان دادند. همچنین، دانشجویان جوان، اشتغال‌پذیری کمتری نسبت به دانشجویان بالغ داشتند،

1- Career Development Learning

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

ولی این تفاوت معنی‌دار نبوده است. همچنین، تفاوت معنی‌داری بین میزان کل اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان بر اساس نوع مدرک آنها (کارشناسی تخصصی مدیریت و تجارت، کارشناسی عمومی مدیریت و تجارت، کارشناسی ترکیبی با مدیریت و تجارت) وجود داشت.

بوآهین و هوفمن (۱۰)، تأثیر کارورزی صنعتی و تأثیر مثبت رشته‌ها (به‌جز یک رشته) بر کسب مهارت‌های اشتغال‌پذیری را مثبت و معنی‌دار گزارش کرده است. اما جنسیت تأثیر معنی‌داری بر کسب مهارت‌های اشتغال‌پذیری نداشت. مطالعه‌ی جکسون (۲۱) نشان داد که همه‌ی ۱۰ مهارت اشتغال‌پذیری مورد مطالعه آنان به‌وسیله‌ی یادگیری تلفیق‌شده در کار بهبود یافته است. نتایج تحقیق سینگ و همکاران (۳۳) نشان داد که در زمینه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری، در کنار مهارت‌های نرم، باید به مهارت‌های سخت و تکنیکی نیز توجه شود، هر چند به اعتقاد آنها، مهارت‌های سخت، اهمیت کمتری نسبت به مهارت‌های نرم دارند. محمد و همکاران (۲۵) در تحقیقی در زمینه‌ی بررسی صلاحیت‌های دانش‌آموختگان کشاورزی در دانشگاه‌های دولتی کشور مالزی دریافتند که ویژگی‌های فردی دانشجویان نقش مهمی در اشتغال‌پذیری آنها بعد از دانش‌آموختگی ایفا می‌کند. شاه (۳۱) در تحقیق خود، چهار مهارت تحلیلی و درک از خود، مدیریت عمومی و فرهنگ کار، مهارت‌های رهبری و حل مسئله و ارتباطات را شناسایی کرد که تأثیر معنی‌داری بر روی مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان داشتند.

در مطالعه جکسون (۲۲)، دختران سطح بالاتری از مهارت‌های اشتغال‌پذیری را نسبت به همتایان پسر خود نشان دادند. تجربه‌ی کار به‌صورت مستقل یا به‌عنوان سرپرست و وضعیت کنونی اشتغال آنها تأثیر مثبت و سابقه‌ی کار صرفاً به‌عنوان کارآموز تأثیر منفی بر میزان اشتغال‌پذیری داشت. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت فضاهای زندگی (فعالیت‌های خانوادگی، ارتباط با دوستان، انجمن‌های حرفه‌ای، فعالیت‌های مدنی یا اجتماعی، مشارکت‌های مذهبی یا معنوی) در توسعه‌ی برخی مهارت‌های خاص اشتغال‌پذیری بود. اهمیت پنداشته مهارت‌های اشتغال‌پذیری به‌طور مثبت بر میزان مهارت‌های اشتغال‌پذیری مؤثر بود و رشته تفاوت اندکی در میزان اشتغال‌پذیری ایجاد کرده بود. همچنین، سن تأثیر معنی‌داری بر میزان مهارت‌های اشتغال‌پذیری داشته است. آرموگان و همکاران (۶) در تحقیقی در زمینه‌ی ارتقای شایستگی‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان کارشناسی‌ارشد رشته کشاورزی دریافتند که دانشجویان از نظر مهارت‌های مدیریتی، تحقیق و ایده‌ها نوآورانه و مهارت‌های دیگر مانند مهارت‌های حل‌مسئله و مهارت‌های ارتباطی احساس احساس ضعف می‌کنند. هاری و همکاران (۱۸) نیز در تحقیق خود، عواملی چون وضعیت نامناسب اقتصادی–اجتماعی، ضعف نظام آموزشی، مباحث مربوط به برنامه درسی، انتخاب مؤسسه آموزش عالی، تعاملات اجتماعی با جامعه‌ای که به آن تعلق داشتند را بر اشتغال‌پذیری دانشجویان سال آخر مؤثر دانستند.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، اندازه‌گیری میزان اشتغال‌پذیری دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران و بررسی برخی متغیرهای فردی و آموزشی با میزان اشتغال‌پذیری آنان است. در همین راستا و بر اساس مطالعات مرورشده فرضیات زیر تدوین و بررسی شد:

فرضیه ۱: میزان اشتغال‌پذیری دانشجویان مورد مطالعه در سطح مطلوب قرار دارد.

فرضیه ۲: بین اهمیت توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری از دیدگاه دانشجویان با دانش و میزان اشتغال‌پذیری آنان همبستگی وجود دارد.

فرضیه ۳: بر اساس مطالعات فردنبرگ و همکاران (۱۵)؛ جکسون (۲۱)؛ پیلای و همکاران (۲۷)؛ کازیلان و همکاران (۲۳) بوآهین و هوفمن (۱۰) و جکسون (۲۲) بین میزان سابقه‌ی کار کشاورزی دانشجویان با میزان اشتغال‌پذیری آنان همبستگی وجود دارد.

فرضیه ۴: بین میزان علاقه‌ی دانشجویان به رشته تحصیلی با میزان اشتغال‌پذیری آنان همبستگی وجود دارد. ف

فرضیه ۵: بین نمره‌ی معدل دانشجویان با میزان اشتغال‌پذیری آنان همبستگی وجود دارد.

فرضیه ۶: بر اساس مطالعات فردنبرگ و همکاران (۱۵)؛ جکسون (۲۱)؛ پیلای و همکاران (۲۷)؛ کازیلان و همکاران (۲۳)؛ بوآهین و هوفمن (۱۰) و جکسون (۲۲) بین میزان سابقه‌ی کار غیرکشاورزی دانشجویان و میزان اشتغال‌پذیری آنان وجود دارد.

فرضیه ۷: بر اساس نتایج نتایج جکسون (۲۲)، بین میزان واگذاری مسئولیت در دوران کودکی از سوی خانواده دانشجویان و میزان اشتغال‌پذیری آنان همبستگی وجود دارد.

فرضیه ۸: بر اساس پژوهش‌های ویلتون (۳۵) بین سن دانشجویان و میزان اشتغال‌پذیری آنان همبستگی وجود ندارد.

فرضیه ۹: بر اساس پژوهش‌های ویلتون (۳۵)؛ جکسون (۲۲) و گُلدفینچ و هافز (۱۷) بین میانگین اشتغال‌پذیری دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

فرضیه ۱۰: بر اساس پژوهش‌های ویلتون (۳۵)؛ کازیلان و همکاران (۲۳) بوآهین و هافمن (۱۰) بین میانگین اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های مختلف کشاورزی تفاوت وجود دارد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی است که به‌روش توصیفی – همبستگی انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری آن شامل دانشجویان سال سوم و آخر کارشناسی رشته‌های کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران است که بر اساس آمار اداره‌ی آموزش ۷۱۵ نفر بودند. این پردیس یکی از باسابقه‌ترین مراکز آموزش عالی کشاورزی کشور است که با داشتن همه‌ی رشته‌های کشاورزی می‌تواند نمونه‌ی مناسبی برای بررسی اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی در اختیار محققان قرار دهد. با استفاده از فرمول کوکران، ۱۹۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب (متناسب با رشته‌ی تحصیلی) انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای متشکل از دو بخش ویژگی‌های فردی و تحصیلی و مؤلفه‌های

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

اشتغال‌پذیری بود. متغیر وابسته‌ی پژوهش، اشتغال‌پذیری دانشجویان بود و برای سنجش آن از مدل کریرادج که داکرپول و سول (۱۳) آن را ارائه کردند؛ استفاده شد که یکی از مهم‌ترین مدل‌ها در بین مدل‌های ارائه‌شده در زمینه‌ی اشتغال‌پذیری دانشجویان و دانش‌آموختگان است و در بین مدل‌های مرتبط با اشتغال‌پذیری دانشجویان جامع‌ترین مدل به‌حساب می‌آید. همچنین این مدل به‌زبانی ساده و قابل‌فهم ارائه شده است (۳۴). بر اساس این مدل، پرسشنامه‌ای توسط سول و داکر پول (۳۰) برای ارزیابی اشتغال‌پذیری دانشجویان طراحی شد که پس از ترجمه، با اندکی تغییر برای اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری دانشجویان به‌کار رفت. در این پرسشنامه ۳۱ گویه برای اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری در قالب پنج مولفه در نظر گرفته شد (جدول ۱). مهارت‌های عمومی بر اساس این پرسشنامه شامل ۱۴ مهارت بود. همه‌ی گویه‌های مرتبط با اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری و متغیر اهمیت پنداشته توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری به‌صورت طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (از کاملاً مخالفم: ۱ تا کاملاً موافقم: ۵) طراحی و اندازه‌گیری شدند. نمره‌ی میانگین گویه‌های هر مؤلفه به‌عنوان نمره‌ی فرد در آن مؤلفه و میانگین مجموع ۳۱ گویه به‌عنوان نمره‌ی اشتغال‌پذیری فرد در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، بر اساس ادبیات بررسی‌شده، برخی از متغیرهای مؤثر بر اشتغال‌پذیری دانشجویان به پرسشنامه اضافه شد. این متغیرها، مقیاس اندازه‌گیری و تعداد گویه‌های آن در جدول (۱) ارائه شده است. روایی پرسشنامه به‌وسیله‌ی پانلی از متخصصان شامل اعضای هیأت‌علمی رشته ترویج و آموزش کشاورزی تأیید شد و برای بررسی پایایی بخش‌های اصلی پرسشنامه، آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقادیر به‌دست‌آمده برای بخش‌های مختلف پرسشنامه قابل‌قبول بود (جدول ۱). در این پژوهش، از آماره‌های توصیفی مانند درصد، میانگین و انحراف معیار و برای آزمون فرضیه‌ها از آماره‌های استنباطی مانند t تک نمونه‌ای[1]، ضریب همبستگی اسپیرمن[2]، ضریب همبستگی پیرسون[3]، t مستقل[4] و کروسکال‌والیس[5] استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد.

جدول ۱- مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

Table1. Research variables measurement scale

متغیر	مقیاس	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
دانش و مهارت تخصصی	فاصله‌ای	۶	۰/۷۳۱
مهارت‌های عمومی	فاصله‌ای	۱۶	۰/۸۷۳
تجربه (کار و زندگی)	فاصله‌ای	۳	۰/۷۲۹
یادگیری توسعه‌ی شغلی	فاصله‌ای	۶	۰/۷۱۵
هوش هیجانی	فاصله‌ای	۳	۰/۶۸۱
اشتغال‌پذیری	فاصله‌ای	۳۱	۰/۸۹۸
اهمیت پنداشته توسعه‌ی اشتغال‌پذیری	فاصله‌ای	۳	۰/۸۵۳
سن	نسبتی	---	---
سابقه‌ی کار کشاورزی (به ماه)	نسبتی	---	---
سابقه‌ی کار غیرکشاورزی (به ماه)	نسبتی	---	---
معدل تحصیلی	فاصله‌ای	---	---
علاقه به رشته	ترتیبی	۱	---
میزان واگذاری مسئولیت از سوی خانواده در دروان کودکی	ترتیبی	۱	---
جنسیت	اسمی	---	---
رشته	اسمی	---	---

نتایج و بحث

بر اساس یافته‌ها، ۴۵/۸ درصد (۸۷ نفر) دانشجویان مورد مطالعه مرد و ۵۲/۶ درصد (۱۰۰ نفر) زن بودند و میانگین سنی آنها ۲۱/۹ سال بود. تنها ۳۵/۸ درصد (۶۸ نفر) از آنها سابقه‌ی کار کشاورزی داشتند. اکثر دانشجویان مورد مطالعه از رشته‌های زراعت (۱۳/۷ درصد)، ماشین‌های کشاورزی (۱۳/۲ درصد) و دامپروری (۱۱/۱) بودند. تنها ۳۵/۸ درصد (۶۸ نفر) از آنها دارای سابقه‌ی کار در زمینه‌ی کشاورزی و ۵۴/۷ درصد از آنها دارای سابقه‌ی کاری در زمینه‌های غیرکشاورزی بودند. اما در زمان انجام این پژوهش ۷۵/۸ درصد از آنها غیرشاغل بودند. از میان دانشجویان شاغل ۳۸/۵ درصد در بخش دولتی مشغول کار بودند و ۶۱/۵ درصد از آنها از طریق خوداشتغالی به کسب درآمد مشغول بودند. در نمونه مورد مطالعه، خانواده‌ها اصلی‌ترین منبع درآمد اکثر دانشجویان بودند (۶۴/۷ درصد).

در ادامه، نمره‌ی پاسخگویان از نظر اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های پنج‌گانه آن محاسبه شد که در جدول (۲)، میانگین نمره کسب‌شده پاسخگویان در این مؤلفه‌ها و رتبه‌بندی گویه‌های تشکیل‌دهنده هر یک ارائه شده است. میانگین کل مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان مورد مطالعه ۳/۳ از ۵ بود و بالاترین میانگین نمره مربوط به مؤلفه هوش هیجانی و پایین‌ترین نمره نیز مربوط به مؤلفه تجربه کار یا زندگی بود.

1- One Sample t test
2- Spearman Correlation Coefficient
3- Pearson Correlation Coefficient
4- Independent sample t test
5- Kruskal–Wallis

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

جدول ۲- نمره‌ی پاسخگویان از نظر اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های آن

Table 2. Respondents' score on employability and its components

مولفه‌ها	گویه‌ها	میانگین	انحراف‌معیار	رتبه
یادگیری توسعه شغلی	من می‌دانم چه شغلی با شخصیت من تناسب بیشتری دارد.	۳/۹۲	۰/۹۳	۱
	من می‌دانم علاوه بر جنبه‌ی مادی (پول)، چه چیزی از زندگی کاری خود می‌خواهم.	۳/۸۷	۰/۹۸	۲
	من می‌دانم برای آینده‌ی شغلی خود چه مهارت‌های فنی و عملی را باید کسب نمایم.	۳/۵۶	۱/۰۵	۳
	من می‌دانم چگونه درباره‌ی شغل‌های مورد علاقه‌ام، آگاهی و اطلاعات کسب کنم.	۳/۳۶	۰/۹۴	۴
	من برای آینده‌ی شغلی خود پس از اتمام تحصیلاتم برنامه‌ریزی کرده‌ام.	۳/۲۷	۱/۱۸	۵
	من می‌دانم چه چیزهای برای ایجاد امنیت شغلی در کار مورد نظر من، لازم است.	۳/۱۴	۱/۰۲	۶
	مجموع	۳/۵۲	۰/۶۶	-
تجربه کار یا زندگی	می‌توانم ارزش تجارب خود را برای کارفرماها توضیح دهم.	۲/۹۵	۱/۰۹	۱
	تاکنون به حد کافی تجارب کاری در زمینه‌های غیرکشاورزی کسب کرده‌ام.	۲/۸۱	۱/۰۸	۲
	تاکنون به حد کافی تجارب کاری در زمینه‌های کشاورزی کسب کرده‌ام.	۲/۴۳	۱/۲۴	۳
	مجموع	۲/۷۲	۰/۹۲	-
دانش تخصصی رشته تحصیلی	عملکرد علمی من در راستای آرزوهای شغلی من است.	۲/۹۳	۱/۲۰	۱
	من از عملکرد علمی خود در دانشگاه راضی هستم.	۲/۸۲	۱/۱۷	۲
	من دانش خوبی در زمینه‌ی کشاورزی عمومی (علاوه‌بر گرایش تخصصی خودم) دارم.	۲/۷۱	۱/۱۹	۳
	مجموع	۲/۸۱	۰/۹۶	-
مهارت های عمومی	آمادگی پذیرش مسوولیت تصمیم‌های خود را دارم.	۳/۹۹	۰/۹۰	۱
	من در مواقع لزوم توانایی توجه به جزئیات را دارم.	۳/۹۷	۰/۹۴	۲
	می‌توانم خود را با موقعیت‌های جدید سازگار کنم.	۳/۹۱	۰/۹۷	۳
	همیشه از ایده‌های جدید استقبال می‌کنم.	۳/۸۹	۰/۷۹	۴
	من در یک گروه به‌خوبی می‌توانم با دیگران کار کنم (تمایل به کار گروهی/ تیمی).	۳/۸۸	۰/۹۴	۵
	توانایی کار به‌صورت مستقل را به خوبی دارم.	۳/۷۱	۰/۹۸	۶
	من توانایی حل مسأله را دارم.	۳/۶۸	۰/۸۷	۷
	مهارت‌های برنامه‌ریزی و سازماندهی را در حد خوبی دارم.	۳/۵۰	۱/۰۰	۸
	می‌توانم زمان خود را به‌طور موثری مدیریت کنم.	۳/۴۹	۰/۹۴	۹
	من از سطح مهارت حساب و کتاب خود راضی هستم.	۳/۴۸	۱/۰۲	۱۰
	من از توانایی کافی در خلق ایده‌های جدید برخوردارم.	۳/۴۴	۰/۹۳	۱۱
	من مهارت‌های ارتباطی شفاهی خوبی دارم.	۳/۳۹	۱/۱۲	۱۲
	من درباره مهارت‌های ارتباط نوشتاری خود اطمینان کامل دارم (مثل انواع نامه و درخواست).	۳/۳۸	۱/۰۸	۱۳
	من درباره فرآیند کاری کسب و کارها درک خوبی دارم.	۳/۳۷	۰/۹۳	۱۴
	من در ارائه مطلب مهارت دارم (مثلاً ارائه کلاسی).	۳/۳۰	۱/۱۶	۱۵
	من در زمینه‌ی استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT)، مهارت خوبی دارم.	۳/۱۱	۱/۱۱	۱۶
	مجموع	۳/۶۰	۰/۵۷	-
هوش هیجانی	می‌توانم احساسات خود را در یک موقعیت خاص بشناسم.	۴/۰۱	۰/۹۵	۱
	می‌توانم احساسات دیگران را به‌خوبی درک کنم.	۳/۹۳	۰/۹۴	۲
	توانایی مدیریت موثر احساسات خود را دارم.	۳/۶۴	۰/۸۵	۳
	مجموع	۳/۸۵	۰/۷۶	-

در ادامه نتایج مرتبط با بررسی فرضیات تحقیق ارائه خواهد شد.

فرضیه ۱: به‌منظور بررسی سطح اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن در جامعه مورد مطالعه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. با در نظرگرفتن اینکه میانگین فرضی در این پژوهش ۳ است و سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (sig<۰/۰۵) و میانگین محاسبه‌شده در این آزمون، می‌توان اظهار داشت که متغیرهای یادگیری توسعه‌ی شغلی، مهارت‌های عمومی، هوش هیجانی و اشتغال‌پذیری در جامعه‌ی مورد مطالعه در سطحی بالاتر از میانگین و مطلوب قرار دارند اما متغیرهای تجربه کار یا زندگی و دانش تخصصی رشته تحصیلی در جامعه‌ی مورد مطالعه در سطحی پایین‌تر از میانگین قرار دارند (جدول ۳).

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

جدول ۳- آزمون t تک نمونه‌ی اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن

Table 3. One sample t test for employability and its components

متغیر	میانگین	t	درجه آزادی	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی داری
تجربه (کار یا زندگی)	۲/۷۲	-۴/۰۷	۱۸۹	-۰/۲۷	۰/۰۰۱
دانش تخصصی رشته‌ی تحصیلی	۲/۸۱	-۲/۶۱	۱۸۹	-۰/۱۸	۰/۰۱
یادگیری توسعه‌ی شغلی	۳/۵۲	۱۰/۸۱	۱۸۹	۰/۵۲	۰/۰۰۱
مهارت‌های عمومی	۳/۶۰	۱۴/۴۷	۱۸۹	۰/۶۰	۰/۰۰۱
هوش هیجانی	۳/۸۵	۱۵/۴۳	۱۸۹	۰/۸۵	۰/۰۰۱
اشتغال‌پذیری کلی	۳/۳۰	۷/۵	۱۸۹	۰/۳۰	۰/۰۰۱

فرضیه ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین میزان اهمیت توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری از دیدگاه دانشجویان با نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. این یافته با نتایج جکسون (۲۲) هماهنگ است. این وضعیت برای مؤلفه‌های یادگیری توسعه‌ی شغلی، مهارت‌های عمومی و هوش هیجانی نیز تکرار می‌شود. به‌نظر می‌رسد توجه و آگاهی دانشجویان نسبت به اهمیت بهبود مهارت‌های اشتغال‌پذیری می‌تواند در هدایت دانشجویان به کسب این مهارت‌ها مؤثر باشد. در حالیکه بین میزان اهمیت توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری با مؤلفه‌های تجربه کار و زندگی و دانش تخصصی رشته تحصیلی رابطه معنی‌داری یافت نشد.

فرضیه ۳: بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون مشخص شد که متغیر سابقه‌ی کار کشاورزی با اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های تجربه کار یا زندگی و دانش تخصصی رشته‌ی تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری داشت؛ اما با مؤلفه‌های یادگیری توسعه‌ی شغلی، مهارت‌های عمومی و هوش هیجانی رابطه معنی‌داری نداشت. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سابقه‌ی کار کشاورزی تنها با افزایش تجربه و همچنین دانش تخصص همبستگی دارد و از این طریق باعث بهبود اشتغال‌پذیری دانشجویان می‌شود. در عین حال نمی‌توان تنها به‌صرف تکیه بر این داشته، اشتغال‌پذیری این افراد را تضمین شده داده دانست به‌ویژه مؤلفه‌ی مهمی مانند یادگیری توسعه‌ی شغلی که در حقیقت هدایت‌گر دانشجویان در مسیر انتخاب و یافتن شغل مناسب است و در عین حال نشان‌دهنده خودآگاهی آنان در این زمینه است. این یافته همچنین نشان می‌دهد که حتی با وجود آشنایی دانشجویان با بخش کشاورزی باید برنامه‌هایی برای هدایت شغلی و در نتیجه‌ی اشتغال‌پذیری هر چه بیشتر آنان تدارک دیده شود. عزیزی خالخیلی و منتی‌زاده (۷) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که دانشجویانی که شغل پدرشان مرتبط با کشاورزی است یا آنان که شغل پدرشان غیرکشاورزی است نسبت به دانشجویانی که شغل پدرشان کشاورزی است؛ نگرش مساعدتری نسبت به آینده‌ی شغلی دارند. بارانی و علی‌بیگی (۹) نیز بیان داشتند که بین سابقه‌ی کار کشاورزی در مزرعه و اشتغال‌پذیری پنداشته ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد که مغایر یافته پژوهش حاضر است.

فرضیه ۴: نتایج آزمون اسپیرمن نشان داد بین متغیر علاقه به رشته‌ی تحصیلی با اشتغال‌پذیری و کلیه مؤلفه‌های آن به‌جز مؤلفه‌ی هوش هیجانی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری داشت. علاقه به رشته‌ی تحصیلی یکی از عواملی است که می‌تواند باعث تلاش و کوشش بیشتر دانشجویان در کسب دانش و مهارت تخصص و حتی تلاش در جهت کسب تجربه باشد. ضرایب همبستگی نشان می‌دهدکه بیشترین ارتباط بین علاقه و دانش و مهارت تخصص وجود دارد.

فرضیه ۵ و ۵-۱ تا ۵-۵: بر اساس آزمون همبستگی پیرسون مشخص شد که متغیر معدل تحصیلی با نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری ارتباط معنی‌داری نداشت به‌همین ترتیب، هیچ‌یک از مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری به‌جز دانش تخصصی رشته‌ی تحصیلی و مهارت‌های عمومی رابطه مثبت و معنی‌داری نداشت. در بین این دو متغیر نیز بیشترین ارتباط بین معدل و دانش تخصصی رشته‌ی تحصیلی است که موضوعی قابل‌انتظار و طبیعی است. اما عدم ارتباط معنی‌دار بین معدل تحصیلی با اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های دیگر آن نشان‌دهنده عدم پرداخت مناسب به مباحث مرتبط با اشتغال و اشتغال‌پذیری در برنامه‌ی درسی دانشکده‌های کشاورزی و بلکه آموزش عالی کشور است. واقعیت این است که اشتغال‌پذیری جایگاه خاصی در برنامه درسی دانشجویان ندارد که بتوان انتظار داشت موفقیت در آموختن این برنامه درسی (معدل بالا) لزوماً به اشتغال‌پذیری بیشتری شود.

فرضیه ۶: آزمون همبستگی پیرسون مؤید این امر است که سابقه‌ی کار غیرکشاورزی با نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های یادگیری توسعه‌ی شغلی، تجربه‌ی کار یا زندگی و هوش هیجانی رابطه مثبت و معنی‌داری داشت. پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی یادگیری تلفیق‌شده در کار انجام شدند نشان دهنده تأثیر مثبت این تجربه بر اشتغال‌پذیری بودند. به‌عنوان مثال فرودنبرگ و همکاران (۱۵) گزارش کردند؛ یادگیری تلفیق‌شده در کار مهارت‌ها و دانش مربوط به شغل شده و نگرش‌ها و رفتارهای معطوف به آمادگی شغلی را بهبود داده است. مطالعه جکسون (۲۱)، پیلای و همکاران (۲۷) بوآهین و هوفمن (۱۰) و جکسون (۲۱) نیز نتایج مشابهی را گزراش کردند. اما جکسون (۲۲) گزارش کرده است که تجربه کار به‌صورت مستقل یا به‌عنوان سرپرست، تأثیر مثبت و سابقه‌ی کار صرفاً به‌عنوان کارآموز تأثیر منفی بر میزان اشتغال‌پذیری داشت. گفتنی است، مؤلفه‌ی یادگیری توسعه‌ی شغلی با توسعه‌ی فردی ارتباط مفهومی نزدیکی دارد (۹). بر این اساس ارتباط مثبت تجربه‌ی کار غیرکشاورزی با یادگیری توسعه‌ی شغلی با یافته فرودنبرگ و همکارن (۱۵) مبنی‌بر

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

ارتباط مثبت یادگیری تلفیق‌شده در کار با بهبود توسعه‌ی هماهنگ است. سابقه‌ی کار غیرکشاورزی با دانش و مهارت تخصصی و مهارت‌های عمومی ارتباط معنی‌داری ندارد. همچنان که انتظار می‌رود تجارب کار در زمینه‌های غیرکشاورزی نباید لزوماً با دانش تخصصی مرتبط باشد.

فرضیه ۷: آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که واگذاری مسوولیت در دوران کودکی می‌تواند باعث افزایش اشتغال‌پذیری و همه‌ی مؤلفه‌های آن در بزرگسالی شود. گرچه در مطالعات بررسی‌شده، چنین متغیری به این شکل بررسی نشده بود؛ اما نتایج جکسون (۲۱)، نیز نشان‌دهنده اهمیت فضاهای زندگی (فعالیت‌های خانوادگی، ارتباط با دوستان، انجمن‌های حرفه‌ای، فعالیت‌های مدنی یا اجتماعی، مشارکت‌های مذهبی یا معنوی) در توسعه‌ی برخی مهارت‌های خاص اشتغال‌پذیری بوده است.

فرضیه ۸: بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون مشخص شد که بین میزان سن دانشجویان و میزان اشتغال‌پذیری آنان همبستگی معنی‌داری وجود نداشت. این یافته با پژوهش‌های ویلتون (۳۵) و جکسون (۲۱) هماهنگ است. متغیر سن در بین مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری تنها با مؤلفه دانش و مهارت تخصصی ارتباط معنی‌دار مثبت دارد. به‌این ترتیب، دانشجویان سال آخر خود را از نظر دانش تخصصی بالاتر از دانشجویان سال سوم ارزیابی کردند (جدول ۴).

فرضیه ۹: نتایج آزمون t مستقل نشان داد که در دانشجویان پسر نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری و همه‌ی مؤلفه‌های آن بیشتر از دانشجویان دختر بود و تفاوت بین میانگین اشتغال‌پذیری دانشجویان دختر و پسر معنی‌دار است. این تفاوت در همه‌ی مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری به‌جز مهارت‌های عمومی و هوش هیجانی معنی‌دار است (جدول ۵). این در حالی است که علی‌آبادی و همکاران (۳) بیان داشتند که دختران از مهارت اشتغال‌پذیری بیشتری نسبت به پسران برخوردار بودند. ویلتون (۳۵)، گزارش کرده است که زنان از بین ۱۱ دسته مهارت اشتغال‌پذیری (ارتباط نوشتاری، توانایی کار در گروه‌ها، مهارت‌های تحقیق، سواد پایه رایانه، ارتباط گفتاری، مهارت‌های حل‌مسأله، مهارت‌های حساب، مهارت‌های مدیریتی، مهارت‌های رهبری، خلاقیت، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های نرم‌افزار یا فناوری اطلاعات پیشرفته)، به‌جز دو دسته (حل‌مسأله و حساب) سطح بالاتری از مهارت‌ها را نشان دادند. همچنین در مطالعه جکسون (۲۱) نیز، دختران سطح بالاتری از مهارت‌های اشتغال‌پذیری را نسبت به همتایان پسر خود گزارش کردند. گُلدفینچ و هافز (۱۷) در مطالعه خود بیان داشت که دختران اندکی مهارت‌های ارزیابی و حساب خود را بالاتر ارزیابی نمودند. اما در مطالعه‌ی بوآهین و هافمن (۱۰)، جنسیت تأثیر معنی‌داری بر کسب مهارت‌های اشتغال‌پذیری نداشت. به‌نظر می‌رسد در این زمینه بستر فرهنگی مؤثر است. به‌ویژه که شغل کشاورزی در شرایط فرهنگی ایران تا حدی شغلی مردانه تصور می‌شود.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

جدول ۴- همبستگی* بین مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری و برخی متغیرهای فردی و آموزشی (پیرسون و اسپیرمن)

Table 4. The correlation of students' employability and its components with some demographic and educational variables (Pearson and Spearman)

متغیر	یادگیری توسعه‌ی شغلی	تجربه کار یا زندگی	دانش تخصصی رشته تحصیلی	مهارت‌های عمومی	هوش هیجانی	اشتغال‌پذیری	اهمیت توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری	میزان سابقه‌ی کار کشاورزی	معدل	سابقه‌ی کار غیرکشاورزی	سن	علاقه به رشته‌ی تحصیلی	واگذاری مسوولیت در دوران کودکی
اهمیت توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری ادراک‌شده	۰/۲۷۰**	-۰/۱۱۸	۰/۱۰۲	۰/۳۹۳**	۰/۴۰۱**	۰/۲۶۲**	۱						
سابقه‌ی کار کشاورزی	۰/۱۰۴	۰/۳۰۱**	۰/۲۳۳**	۰/۰۵۸	۰/۰۲۶	۰/۲۳۳**	۰/۰۱۷	۱					
علاقه به رشته‌ی تحصیلی	۰/۲۳۴**	۰/۱۹۴**	۰/۳۹۴**	۰/۲۷۸**	۰/۱۱۴	۰/۳۵۸**	۰/۰۹۷	۰/۱۳۹					
معدل	-۰/۰۲۸	-۰/۰۱۱۵	۰/۲۱۶**	۰/۱۶۰*	-۰/۰۲۸	۰/۰۶۱	۰/۰۴۹	۰/۰۵۶	۱				
سابقه‌ی کار غیرکشاورزی	۰/۲۰۱**	۰/۲۰۳**	۰/۱۴۶	۰/۱۲۵	۰/۱۵۶*	۰/۲۴۱**	۰/۰۵۶	۰/۱۳۱	-۰/۱۴۶	۱			
سن	۰/۰۰۱	۰/۰۸۵	۰/۱۱۶*	۰/۰۸۶	۰/۰۳۶	۰/۱۱۷	۰/۰۵۴	۰/۰۲۹	۰/۱۰۵	۰/۰۵۱	۱		
علاقه به رشته‌ی تحصیلی	۰/۲۹۶**	۰/۲۲۰**	۰/۴۱۶**	۰/۲۷۵**	۰/۱۲۹	۰/۳۹۴**	۰/۱۵۹**	۰/۲۷۱**	۰/۳۱۹**	۰/۰۸۷	۰/۷۰	۱	
واگذاری مسوولیت در دوران کودکی	۰/۲۲۷**	۰/۱۵۶*	۰/۱۸۸**	۰/۲۵۰**	/۲۴۰**	۰/**۲۸۷	۰/۱۷۳*	۰/۲۴۰**	۰/۱۵۵**	۰/۰۶۸	۰/۰۷۲	۰/۳۰۵**	۱

*: ضریب همبستگی دو متغیر «علاقه به رشته تحصیلی» و «واگذاری مسوولیت در دوران کودکی» از نوع اسپیرمن و بقیه متغیرها پیرسون بود.

جدول ۵- مقایسه‌ی اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های آن در پاسخگویان بر اساس جنسیت (t مستقل)

Table 5. The comparison of students' employability and its components in terms of gender (Independent sample t test)

متغیر وابسته	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	sig
اشتغال‌پذیری	مرد	۳/۴۷	۰/۵۶	۴/۰۹	۰/۰۰۱ **
	زن	۳/۱۶	۰/۴۷		
یادگیری توسعه‌ی شغلی	مرد	۳/۶۳	۰/۸۰	۰/۰۹	۰/۰۳ **
	زن	۳/۴۳	۰/۵۷		
تجربه‌ی کار یا زندگی	مرد	۳/۰۵	۰/۸۸	۴/۹۴	۰/۰۰۱ **
	زن	۲/۴۲	۰/۸۶		
دانش تخصصی رشته‌ی تحصیلی	مرد	۳/۱۴	۰/۹۲	۴/۵۲	۰/۰۰۱ **
	زن	۲/۵۳	۰/۹۰		
مهارت‌های عمومی	مرد	۳/۶۴	۰/۶۱	۰/۸۶	۰/۳۸
	زن	۳/۵۷	۰/۵۴		
هوش هیجانی	مرد	۳/۸۸	۰/۸۰	۰/۲۸	۰/۷۷
	زن	۳/۸۸	۰/۷۲		

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

فرضیه ۱۰: نتایج آزمون کروسکال‌والیس نشان داد میانگین اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های مختلف تفاوت معنی‌داری نداشت. محیط یکسان آموزشی و عدم پرداخت به آموزش‌ها مرتبط با اشتغال در برنامه‌ی درسی که به‌جز درس‌های تخصصی در دروس عمومی، پایه و مشترک کشاورزی که در کشور ما به‌صورت یکسان و متمرکز تدوین و ابلاغ می‌شوند باعث می‌شود دانشجویان رشته‌های مختلف تفاوتی از نظر میزان مهارت‌های اشتغال‌پذیری نداشته باشند. نتایج این آزمون نشان داد که تنها در مؤلفه‌ی تجربه‌ی کار و زندگی در سطح اطمینان پنج درصد در میان دانشجویان رشته‌های مختلف تفاوت معنی‌داری داشتند و دانشجویان رشته‌های ترویج، زراعت و خاکشناسی از لحاظ این مؤلفه در سطح بالاتری نسبت به سایر رشته‌ها قرار دارند (جدول‌های ۶ و ۷). این یافته با نتایج ویلتون (۳۵)، کازیلان و همکاران (۲۳) و بوآهین و هافمن (۱۰) متفاوت است، اما با نتایج جکسون (۲۲) همسان است. وی نتیجه گرفت که رشته، تفاوت اندکی در میزان اشتغال‌پذیری ایجاد کرده است. آنها دلیل این مسأله را ماهیت نمونه‌ای که پیمایش بر روی آن انجام گرفته، دانستند، چون پیمایش در دانشکده تجارت و حقوق انجام شده بود و شمول رشته‌های متنوع شاید می‌تواند تفاوت‌های بیشتری را نشان دهد. علی‌بیگی و بارانی (۴) نیز دریافتند که میزان اشتغال‌پذیری دانشجویان گرایش‌های مختلف کشاورزی با یکدیگر تفاوت داشتند.

جدول ۶- مقایسه‌ی اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های آن در پاسخگویان بر اساس رشته‌ی تحصیلی (آزمون کروسکال والیس)
Table 6. The comparison of students' employability and its components in terms of major (Kruskal-Wallis)

مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری	رشته تحصیلی	تعداد	میانگین رتبه‌ای
تجربه‌ی کار یا زندگی	آبیاری	۱۹	۷۵/۰۵
	باغبانی	۱۷	۱۰۶/۸۸
	ترویج کشاورزی	۱۵	۱۲۱/۰۰
	ماشین‌های کشاورزی	۲۵	۲/۸۲
	اقتصاد کشاورزی	۱۱	۱۰۶/۶۳
	زراعت	۲۶	۱۱۴/۳۳
	خاکشناسی	۱۷	۱۱۳/۱۲
	گیاه‌پزشکی	۱۳	۶۷/۱۵
	دامپروری	۲۱	۹۵/۶۰
	صنایع غذایی	۱۲	۷۵/۰۴
	فضای سبز	۱۴	۸۳/۵۷

جدول ۷- آزمون کروسکال والیس برای مقایسه‌ی اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های آن در پاسخگویان بر اساس رشته‌ی تحصیلی
Table 7. Kruskal-Wallis test for comparison of students' employability and its components in terms of major

آزمون	اشتغال‌پذیری	یادگیری توسعه‌ی شغلی	تجربه‌ی کار یا زندگی	دانش تخصصی رشته‌ی تحصیلی	مهارت‌های عمومی	هوش هیجانی
کروسکال والیس	۸/۱۷	۹/۸۱	۱۹/۱۳	۱۱/۴۱	۱۴/۲۱	۱۰/۶۱
درجه‌ی آزادی	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
معنی‌داری	۰/۶۱	۰/۴۵	۰/۰۳*	۰/۳۲	۰/۱۶	۰/۳۸

به‌منظور بررسی تفاوت بین اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های آن بر حسب سابقه‌ی کار کشاورزی دانشجویان از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۸) مؤید این مطلب است که همه‌ی افراد دارای سابقه‌ی کار کشاورزی دارای سطح بالاتری از متغیر اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های آن هستند. بارانی و علی‌بیگی (۹) نیز دریافتند که بین سابقه‌ی کار کشاورزی در مزرعه و با میزان اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود داشت.

جدول ۸- مقایسه‌ی اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های آن پاسخگویان بر اساس دارا بودن سابقه‌ی کار کشاورزی (تی مستقل)
Table 8. The comparison of students' employability and its components in terms of agricultural experience (Independent sample t test)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	sig
سابقه‌ی کار	اشتغال‌پذیری	دارم	۳/۵۸	۰/۵۰	۵/۷۱	۰/۰۰۱ **
		ندارم	۳/۱۵	۰/۴۸		
	یادگیری توسعه‌ی شغلی	دارم	۳/۷۵	۰/۶۰	۳/۷۶	۰/۰۰۱ **
		ندارم	۳/۳۸	۰/۶۶		
	تجربه کار یا زندگی	دارم	۳/۱۶	۰/۸۲	۵/۱۶	۰/۰۰۱ **
		ندارم	۲/۴۸	۰/۸۸		
	دانش تخصصی رشته تحصیلی	دارم	۳/۲۰	۰/۹۴	۴/۳۴	۰/۰۰۱ **
		ندارم	۲/۶۰	۰/۹۰		
	مهارت‌های عمومی	دارم	۳/۷۵	۰/۵۷	۲/۷۸	۰/۰۰۶ **
		ندارم	۳/۵۱	۰/۵۵		
	هوش هیجانی	دارم	۴/۰۲	۰/۷۳	۲/۲۶	۰/۰۲۵ *
		ندارم	۳/۷۶	۰/۷۶		

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

چنانکه در این پژوهش مشخص شد، میانگین کل مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران ۳/۳ از ۵ بود که می‌توان گفت اندکی از متوسط بیشتر است. بیشترین ضعف دانشجویان در مؤلفه‌های تجربه کار یا زندگی (میانگین ۲/۷۲) و دانش تخصصی رشته‌ی تحصیلی (۲/۸۱) بود. با توجه به ارتباط معنی‌دار و مثبت اهمیت توسعه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری از دیدگاه دانشجویان و میزان مهارت‌های اشتغال‌پذیری آنان، ضرورت افزایش خودآگاهی دانشجویان در زمینه‌ی مهارت‌های اشتغال‌پذیری در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران می‌تواند نقش مهمی در بهبود سطح اشتغال‌پذیری دانشجویان داشته باشد.

متغیر سابقه‌ی کار کشاورزی گرچه به‌طور سنتی به‌عنوان ملاکی مهم بر کیفیت ورودی‌های آموزش عالی مورد تأکید بوده است (۷)؛ تنها از طریق افزایش مؤلفه‌های تجربه و دانش تخصص باعث بهبود اشتغال‌پذیری دانشجویان می‌شود و باید برنامه‌هایی برای هدایت شغلی و در نتیجه‌ی اشتغال‌پذیری هر چه بیشتر آنان تدارک دیده شود. از سوی دیگر، سابقه‌ی کار غیرکشاورزی با نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری و مؤلفه‌های یادگیری توسعه‌ی شغلی، تجربه‌ی کار یا زندگی و هوش هیجانی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. بدین‌ترتیب فراهم‌نمودن فرصت‌های کاروزی از جمله در مشاغل مرتبط با کشاورزی مانند مشاغل خدماتی می‌تواند زمینه‌ی توسعه‌ی برخی از مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری را فراهم کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود دانشجویان بخشی از کاروزی خود را در بخش‌های تولید کشاورزی و بخشی را در بخش‌های خدماتی و یا به‌طور کلی وابسته کشاورزی بگذرانند تا بتوانند همه‌ی ابعاد اشتغال‌پذیری را در خود توسعه‌ی دهند و یا با شناسایی ضعف‌های خود در هریک از مؤلفه‌ها به یکی از بخش‌های تولیدی و یا خدماتی و وابسته کشاورزی هدایت شوند.

ارتباط مثبت و معنی‌دار علاقه به رشته‌ی تحصیلی با اشتغال‌پذیری و کلیه مؤلفه‌های آن به‌جز مؤلفه‌ی هوش هیجانی، نشانگر ضرورت توجه به علاقه دانشجویان به‌عنوان ملاکی مؤثر در انتخاب دانشجویان علاوه بر ملاک‌های عمومی مانند کنکور است. متغیر معدل تحصیلی نه با نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری و نه با هیچ‌یک از مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری به‌جز دانش تخصصی رشته تحصیلی و مهارت‌های عمومی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری نداشت. این واقعیت ضمن گوشزدنمودن عدم توجه به مباحث مرتبط با اشتغال در برنامه درسی دانشگاه می‌تواند به کارفرمایان جویای نیروی کار نشان دهد که صرف معدل تحصیلی تضمین‌کننده یافتن نیروهای انسانی مناسب نیست.

نمره‌ی کل اشتغال‌پذیری و همه‌ی مؤلفه‌های آن در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر بود و تفاوت بین میانگین اشتغال‌پذیری دانشجویان دختر و پسر معنی‌دار بود. این تفاوت در همه‌ی مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری به‌جز مهارت‌های عمومی و هوش هیجانی معنی‌دار است. به‌نظر می‌رسد دست‌کم در رشته‌های کشاورزی باید برنامه‌های اشتغال‌پذیری با توجه خاص به دانشجویان دختر به اجرا درآیند، یا به اصطلاح، «حساس به جنسیت»[1] باشند. واگذاری مسوولیت در دوران کودکی می‌تواند باعث افزایش اشتغال‌پذیری و همه‌ی مؤلفه‌های آن در بزرگسالی شود. این یافته از این نظر اهمیت دارد که آموزش عالی اگرچه باید در زمینه‌ی اشتغال‌پذیری نقش فعالی ایفا کند؛ نمی‌تواند همه‌ی بار اشتغال‌پذیری دانشجویان را برعهده بگیرد. به‌هرحال دانشجویان با ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاصی وارد آموزش عالی می‌شوند که در بسیاری مواقع از کنترل آموزش عالی خارج است. در این زمینه، توصیه می‌شود نقش و سهم آموزش عالی و از جمله آموزش عالی کشاورزی در توسعه‌ی اشتغال‌پذیری دانشجویان به‌صورت علمی و درعین حال واقع‌بینانه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مشخص شود. این کار خود مستلزم تعریف مفهوم اشتغال‌پذیری و محدودکردن آن به حیطه‌های قابل‌پرورش در آموزش عالی است. در این زمینه، اسمال و همکاران (۳۴) نیز پیشنهاد کردند با توجه به این که اشتغال‌پذیری مفهومی است که به شیوه‌های مختلف تعریف شده است؛ توافق بر یک تعریف برای تلفیق اشتغال‌پذیری در آموزش عالی و کار مؤثر از سوی مؤسسات آموزش عالی ضروری است.

منابع

1. Abdi, A., F. Eskandari and M. Jalali. 2020. Comparative analysis of the employability of agricultural and engineering students (The case of Kurdistan University). Iranian Agricultural Extension and Education Journal, 15(2): 271-283 (In Persian).
2. Agahi, H., F. Ghorbani Piralidehi and S. Seymohammadi. 2016. An investigation of postgraduate students' attitude toward self-employment (case study of campus of agriculture and natural resources of Razi University in Kermanshah). Social Welfare Quarterly, 16(63): 281-313 (In Persian).
3. Aliabadi, V., M. Khayati and R. Movahedi. 2016. Employability component of psychological empowerment of agricultural students Bu Ali Sina University. Agricultural Education Administration Research, 8(37): 21-31 (In Persian).
4. Alibeigi, A. and S.H. Barani. 2010. Employability of agricultural disciplines as perceived by the graduate students. Cooperation and Agriculture, 21(2): 21-49 (In Persian).
5. Amirbik, M.A., M. Ahmadpour Borazjani, M. Salarpour and H. Karimi. 2020. Agricultural employment through the removal of barriers of agricultural products supply to commodity exchanges (A case of Khorasan Rezavi Province). Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture, 6(12): 59-68 (In Persian).
6. Armoogum, N.Y., B. Ramasawmy and B.M.F. Driver. 2016. The need to enhance the employability competences (knowledge, skills, autonomy, and attitudes) of undergraduates in Agriculture, Evidence

1- Gender Sensitive

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

from students' perceptions and employers' expectations. Tuning Journal for Higher Education, 4(1): 169-219.
7. Azizi-Khalkheili, T. and M. Menatizadeh. 2020. The occupation of agricultural graduates: The analysis of the students' attitude of Sari agricultural sciences and Natural Resources University. Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture, 6(12): 22-34 (In Persian).
8. Bakhshi Jahromi, A., R. Namdar and L. Shafiee. 2017. Analysis of situation and barriers of employment among graduate agricultural students of Kerman University of Applied Science and Technology. Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture, 4(8): 39-50 (In Persian).
9. Barani, S.H. and A. Alibeigi. 2012. Investigating the perceptions and expectations of agricultural students towards employment finding opportunity of different agricultural disciplines, faculties of agriculture in the West Iran. Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research, 42-2(3): 389-401 (In Persian).
10. Boahin, P. and A. Hofman. 2013. A disciplinary perspective of competency-based training on the acquisition of employability skills. Journal of Vocational Education and Training, 65(3): 385-401.
11. Bridgstock, R. 2009. The graduate attributes we've overlooked: Enhancing graduate employability through career management skills. Higher Education Research and Development, 28(1): 31-44.
12. Brown, P., A. Hesketh and S. Wiliams. 2003. Employability in a knowledge-driven economy. Journal of education and work, 16(2): 107-126.
13. Dacre Pool, L. and P. Sewell. 2007. The key to employability: developing a practical model of graduate employability. Education Training, 49(4): 277-289.
14. Darvishan, A., M.S. Taslimi and R. Hakimzadeh. 2019. Designing a model of employability skills for higher education graduates. Journal of Higher Education Curriculum Studies, 10(19): 7-39 (In Persian).
15. Freudenberg, B., M. Brimble and C. Cameron. 2011. WIL and generic skill development: The development of business students' generic skills through work-integrated learning. Asia-Pacific Journal of Cooperative Education, 12(2): 79-93.
16. Ghasemi, J. 2014. Designing a Model of Integrating experiential learning in entrepreneurial higher agricultural education of Iran. PhD Dissertation, faculty of agricultural economics and development, University of Tehran (In Persian).
17. Goldfinch, J. and M. Hughes. 2007. Skills, learning styles and success of first-year undergraduates. Active learning in higher education, 8(3): 259-273.
18. Harry, T., T.W. Chinyamurindi and T. Mjoli. 2018. Perceptions of factors that affect employability amongst a sample of final-year students at a rural South African university. SA Journal of Industrial Psychology, 44: 1-10.
19. Hedjazi, Y., H. Gholami, S.M. Hosseini and A. Rezvanfar. 2018. Role of social capital in the employability of agricultural students: Case of agricultural and natural resources university college, University of Tehran. Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research, 49-2(3): 545-558 (In Persian).
20. Hillage, J. and E. Pollard. 1998. Employability: Developing a framework for policy analysis. Department for Education and Employment, London.
21. Jackson, D. 2013. The contribution of work-integrated learning to undergraduate employability skill outcomes. Asia-Pacific Journal of Cooperative Education, 14(2): 99-115.
22. Jackson, D. 2014. Testing a model of undergraduate competence in employability skills and its implications for stakeholders. Journal of Education and Work, 27(2): 220-242.
23. Kazilan, F., R. Hamzah and A.R.B. Bakar. 2009. Employability skills among the students of technical and vocational training centers in Malaysia. European Journal of Social Sciences, 9(1): 147-160.
24. Mounfared, N., M. Rajabbaigi and M. Yasemi. 2015. factors affecting occupational success of fishery graduates from agricultural applied scientific higher education institute of Jihad-e-Agriculture, Iran. Agricultural Education Administration Research, 7(33): 111-121 (In Persian).
25. Muhammad, M., A.A. Ismail and A. Eh Rak. 2013. Competency of agriculture graduates in Malaysian Public Universities. International Journal of Enhanced Research in Educational Development (IJERED), 1(1): 1-9.
26. Naderi Mahdeei, K., L. Zolikhaei Sayyar and M. Pouya. 2016. Employability of female university students: a new strategy for enhancing women's presence in the labor market. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education (IRPHE), 21(4): 21-50 (In Persian).
27. Pillai, S., M.H. Khan, I.S. Ibrahim and S. Raphael. 2012. Enhancing employability through industrial training in the Malaysian context. Higher Education, 63(2):1-18.
28. Pouratashi, M. 2018. Evaluating strengths and promoting methods employability of students in agricultural higher education. Agricultural Education Administration Research, 10: 18-31 (In Persian).
29. Sepahvand, R., Z. Solgi and F. Akbaripasham. 2018. The impact of orientation and planning of varied career orientation on employability of graduates in higher Education. Journal of Research and Planning in Higher Education (IRPHE), 24(1):71-90 (In Persian).

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

30. Sewell, P. and L. Dacre Pool. 2015. The UCLan-Career EDGE employability development profile, Available at: https://www.uclan.ac.uk/students/assets/files/CareerEDGE_and_EDP_2015.pdf (Accessed 12 November 2018). doi: 10.1080/13636820.2017.1394355
31. Shah, R. 2014. A study on factors affecting employability skills of management students. International Journal of Management and Development Studies, 3(2): 17-24.
32. Sharifi Asadi Malafeh, F., A. Khorasani, K. Fathivagargah and E. Salehiomran. 2019. Determination of employability skills of academic graduates with exploratory mixed method approach. CSTP, 7(13): 29-52 (In Persian).
33. Singh, P., R. Thambusamy, A. Ramly, I.H. Abdullah and Z. Mahmud. 2013. Perception differential between employers and instructors on the importance of employability skills. Social and Behavioral Sciences, 90: 616-625.
34. Small, L., K. Shacklock and T. Marchant. 2018. Employability: a contemporary review for higher education stakeholders. Journal of Vocational Education and Training, 70(1): 148-166.
35. Wilton, N. 2011. Do employability skills really matter in the UK graduate labour market? The case of business and management graduates. Work, Employment and Society, 25(1): 85-100.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]

The Analysis of Agricultural Students' Employability: A case from Agriculture and Natural Resources University College, University of Tehran

Hesamedin Gholami[1], Javad Ghasemi[2] and Amir Afzali Goroh[3]

1- Assistant Professor, Institute of Agricultural Education and Extension, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Tehran, Iran
2- Assistant Professor, Institute of Agricultural Education and Extension, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Tehran, Iran, (Corresponding author: ja.ghasemi@areeo.ac.ir)
3- PhD Student, Faculty of Agricultural Economics and Development, University of Tehran
Received: June 21, 2020 Accepted: July 8, 2020

Abstract

Addressing students' employability by agricultural colleges has been highlighted due to dramatic changes in agricultural graduates' labor market in recent years. Thus, this study was conducted to measure the agricultural students' employability (N= 715) and its correlation with some variables in agriculture and natural resources university college, University of Tehran. Sample size was determined via Cochran formula (n=190). Sample were accessed through stratified proportional sampling. Data were collected via a questionnaire, validity of which was confirmed by a panel of experts and its reliability was examined by computing Cronbach's alpha. Data were analyzed using $SPSS_{20}$ software. Results revealed that agricultural students' employability skills mean score was 3.3 from 5 which was inferred as moderately higher than average. Students were weaker in work and life experience (mean core= 2.72) and degree subject knowledge and skills (mean core= 2.81). Furthermore, perceived importance of employability skills development, agricultural experience, being interested in the field of study, non- agricultural experience, assignment of responsibilities in childhood by family were significantly correlated with student's employability. Male students reported higher scores in all employability components i.e experience (work & life); degree subject knowledge, understanding and skills; generic skills; emotional intelligence and overall employability mean scores. These differences were significant except for generic skills and emotional intelligence. Generally, it is recomeneded to integrate employability in agricultral collges educational programs. This integration should be gender-sentive for considering female students' weakness in most of emaployability components.

Keywords: Employability, Job Preparedness, Students, Higher Education, Unemployment

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1399.7.13.12.8]
[DOI: 10.52547/jea.7.13.114]